

آثار مرتبط با اولین جلسه دادرسی در جرایم کیفری

علی شجاعی^۱

کارشناسی ارشد، جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبد

چکیده

اولین جلسه دادرسی در لغت به معنای «به داد مظلوم رسیدن» بوده و در اصطلاح حقوقی عام به معنای رسیدگی به درخواست متقاضی توسط مرجع قضاوت کننده برای صدور رای است که با در نظر گرفتن پاسخ طرف مقابل صورت می‌گیرد. بنابراین شامل تمام مراحل دادرسی اعم از نخستین و تجدیدنظر خواهد بود. همچنین جلسه ایست یا اولین جلسه ایست که اولاً موجبات رسیدگی فراهم باشد و ثانیاً خوانده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست خواهان را با توجه به تغییرات احتمالی که براساس ماده ۹۸ ق.آ.د.م خواهان می‌تواند در خواست خود بدهد را داشته باشد. چنانچه اولین جلسه دادرسی خوانده فرصت دفاعیات کامل در برابر دادخواست خواهان را پیدا نکند این جلسه، جلسه ی اول دادرسی محسوب می‌شود، حتی اگر خواهان فرصت پیدا نکند یا پاسخ خوانده را در همان جلسه بدهد یا خواهان فرصت پیدا نکند در مقابل دفاعیات خوانده پاسخ بدهد، اما متقابلاً خوانده فرصت کافی برای پاسخ مجدد به اظهارات خواهان را نداشته باشد، این جلسه به لحاظ اینکه خوانده در ابتدا دفاعیات کاملش را انجام داده و امکان دفاع برای او وجود داشته و دفاع کرده، جلسه اول دادرسی محسوب خواهد شد.

واژگان کلیدی: دادرسی، اولین جلسه دادرسی، جرایم کیفری

^۱ نویسنده مسئول: syberg1401@gmail.com

آیین و تشریفات دادرسی، مانند حقوق ماهوی، دارای اصول و قواعدی است که به یکباره بوجود نیامده است، بلکه حاصل تجربیات قضایی مراجع مختلف بوده که در سالیان متمادی بدان دست یافته‌اند، به گونه‌ای که بهترین روش رسیدن به حل و فصل عادلانه و منصفانه دعاوی، تنها در اجرای دقیق اصول و فوائد آئین دادرسی امکان پذیر می‌باشد که نادیده انگاشتن و احیاناً سهل انگاری در اعمال این اصول و قواعد، باعث معطل ماندن حقوق ماهوی و تضییع حقوق افراد از یک طرف و انجام دادرسی غیر عادلانه و سرانجام نقض احکام صادره از طرف دیگر خواهد شد. به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی ایران وضع این اصول و قواعد بر خلاف اصول و قواعد حقوق ماهوی، رشد قابل توجهی نداشته است و این امر، ناشی از این است که متون فقهی به عنوان مهمترین منبع احکام و قوانین ماهوی ایران بوده، در حالی که در این متون به ندرت به قواعد و احکام دادرسی اشاره شده است که البته به دور ماندن علمای دین از کانون حکومت، در زمان تدوین این متون، عدم پیش بینی قواعد و اصول دادرسی قابل توجیه می‌باشد.

مع الوصف، قواعد و اصول دادرسی به مرور زمان در هر یک از نظامهای حقوقی شکل گرفته است و برخی از نظامهای حقوقی نیز با الگو گرفتن از سایر نظامها در طول زمان به اصلاحاتی در قواعد دادرسی دست یافته‌اند که حقوق ایران از دسته اخیر می‌باشد. یعنی در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی مقنن ایران، قانون اصول محاکمات حقوقی را با الهام از ق.آ.د.م مصوب ۱۸۰۷ میلادی کشور فرانسه به تصویب رساند که این قانون در سال ۱۳۱۸ ه. ش تحت عنوان قانون آئین دادرسی مدنی اصلاح گردید. تحولات ۱۰۰ ساله قانون گذاری در کشور ایران بیانگر این است که، قانونگذار اکثراً متوجه برقراری خود « آیین برای دادرسی در محاکم » بوده است و نه این که بخواهد با کمک آیین دادرسی « مدل و شیوه دادرسی مطلوب » را طراحی کند. در واقع، « حقوق دادرسی مدنی » ایران اگرچه در « روش » از شیوه دادرسی فقهی که خود مبتنی بر جذبه معنوی قاضی و « ادب قضاء » است فاصله گرفت ولی، همچنان فاقد مبنای نظری و فنی شناخته شده و دقیقاً مطالعه شده باقی مانده است

سوالات تحقیق

سوال اصلی

آثار اولین جلسه دادرسی در دادگاه ها چیست؟

سوالات فرعی

حقوق خواننده در جلسه اول دادرسی دادگاه ها کدامند؟

حقوق خواهان در جلسه اول دادرسی چیست؟

تکالیف اصحاب دعوا در جلسه اول دادرسی چیست؟

فرضیه های تحقیق:

فرضیه اصلی

به نظر می رسد اولین جلسه دادرسی دارای آثاری همچون اعتراض به بهای خواسته، طرح ایرادات، افزایش خواسته، تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست، استرداد دادخواست، جلب ثالث، دعوای متقابل، اخذ تأمین از اتباع بیگانه و خدشه کردن در اسناد ابرازی می باشد.

فرضیات فرعی

- ۱- به نظر می رسد در اولین جلسه دادرسی خوانده دارای حقوقی همچون اعتراض به بهای خواسته، مراجعه به دادگاه و دریافت نسخه ثانی دادخواست، ایرادات، طرح دعوی متقابل، انکار تردید و ادعای جعل و اخذ تامین از تبعه خارج می باشد.
- ۲- به نظر می رسد در اولین جلسه دادرسی خواهان دارای حقوقی همچون ایراد به سمت نماینده خوانده، استمهال برای ارائه اسناد جدید، افزایش خواسته و استرداد دادخواست می باشد.
- ۳- به نظر می رسد اصحاب دعوا در جلسه اول دادرسی دارای تکالیفی همچون درخواست تاخیر جلسه، ارائه اصول اسناد، درخواست جلب ثالث، ایراد نسبت به ورود ثالث و ایراد رد دادرسی می باشد.

مفهوم جلسه ی دادرسی

جلسه ی دادرسی در قانون تعریف نشده است در تعریف جلسه دادرسی گفته می شود جلسه دادرسی یک وضع قانونی است که قائم به وجود دادرس و فراهم بودن موجبات رسیدگی، طرح و استماع دعوی می باشد (جعفری لنگرودی، ج ۴ ص ۹) همچنین گفته شده است جلسه دادرسی ناظر به موردی است که طبق آئین دادرسی مدنی یا کیفری دادرس دادگاه یا قائم مقام او با تعیین وقت قبلی آمادگی خود را برای رسیدگی به امری اعلام و وقت رسیدگی هم ابلاغ شده باشد حضور کسی که وقت به او ابلاغ شده شرط تحقق جلسه نیست (مردانی و بهشتی، آئین دادرسی مدنی، ۱۳۵۸، ص ۸۲) در تعریف دیگری از جلسه دادرسی گفته شده است چنانچه قاضی مرجع قضاوتی با تعیین وقت و دعوت قبلی از اصحاب دعوا یا وکلای آنها حضور یافته تا به دعوا یا امری که خواهان مطرح نموده و یا به ادعاها و ادله اصحاب رسیدگی شود جلسه دادرسی تشکیل شده است. (شمس، پیشین، ص ۱۳۸) با بهره گیری از تعاریف فوق الذکر میتوان گفت جلسه دادرسی یک وضعیت است که بین دو مقطع زمانی تقدیم دادخواست و ابلاغ آن از یک سو و اعلام ختم دادرسی از سوی دیگر قرار گرفته و در این مقطع دادرس کلیه اظهارات و ادعاها و دفاعیات و دلایل طرفین را استماع نموده هر گونه اقدامی در جهت تبیین مجهول قضایی انجام و خود را آماده می سازد که پس از این مقطع به اصدار برای اقدام ورزد. اصطلاح جلسه دادرسی در بسیاری از مواد قانون آئین دادرسی مدنی به کار رفته است جلسه دادرسی ممکن است در دادگاه یا خارج از دادگاه تشکیل شود که با این وصف جلسه تحقیق محلی و معاینه محلی جلسه دادرسی محسوب می شود این توضیح ضروری است که زمان طرح دعوا با زمان شروع دادرسی تفاوت دارد و نباید چنین تصور کرد که زمان طرح دعوا همان زمان شروع دادرسی است، به این معنی که زمان تقدیم دادخواست به دادگاه همان زمان طرح دعوا می باشد اما شروع دادرسی زمانی است که پرونده دعوا در دفتر دادگاه ثبت و تکمیل شده و به صورت کلاس های درآید و بعد توسط قاضی دستور تعیین وقت رسیدگی صادر گردد لذا با توجه به مبحث قبلی این نکته روشن می شود که در تشخیص زمان طرح دعوا باید به زمان ثبت دادخواست در دفتر دادگاه توجه نمود نه زمانی که مقام صالح دادخواست را ارجاع میدهد قابل ذکر است که شروع دادرسی مشروط به تقدیم دادخواست کامل است، در صورت نقص تا زمانی که از دادخواست رفع نقص نگردیده نمی توان آن را دادخواست کامل تلقی نمود و شروع دادرسی دانست.^۳ با این اوصاف صدور قرار رد دادخواست به لحاظ عدم رفع نقص ظرف مدت مقرر قانونی از طرف مدیر دفتر یا جانشین وی، جزء زمان دادرسی محسوب نمی گردد. زیرا با صدور قرار رفع نقص اگر چه طرح دعوا صورت گرفته ولی با توجه به اینکه شرایط دادرسی مهیا نیست، دادرسی آغاز نمی گردد.

شرایط تحقق اولین جلسه دادرسی

با بهره گیری از تعاریف فوق الذکر می توان گفت: جلسه دادرسی یک وضعیت است که بین دو مقطع زمانی تقدیم دادخواست و ابلاغ آن از یک سو و اعلام ختم دادرسی از سوی دیگر قرار گرفته و در این مقطع دادرسی کلیه اظهارات و ادعاها و دفاعیات و دلایل طرفین را استماع نموده و هر گونه اقدامی را که در جهت تبیین مجهول قضایی لازم و ضروری است انجام و خود را آماده می سازد که پس از این مقطع به اصدار رای اقدام ورزد لذا این مبحث در دو گفتار به شرح زیر مورد بحث قرار می گیرد.

توصیف حقوقی اولین جلسه ی دادرسی و اوصاف زمانی آن

با توجه به اینکه اولین جلسه دادرسی برای اصحاب دعوا اهمیت فراوانی دارد و هر یک از طرفین (خواهان و خوانده) در این جلسه دارای حقوق و تکالیف هستند لذا این گفتار را به مباحث توصیف حقوقی اولین جلسه و اوصاف زمانی آن اختصاص می دهیم.

توصیف حقوقی اولین جلسه دادرسی

اولین جلسه دادرسی منشاء آثار مهمی است و بر اساس قانون در اولین جلسه دادرسی حقوق و تکالیفی برای اصحاب دعوا قابل تصور است که آگاهی از این حقوق و تکالیف در سرنوشت دعوا تاثیر بسزایی دارد چون برخی از این حقوق و تکالیف در سایر جلسات که به دلایلی ممکن است تجدید شود قابل اعمال نخواهد بود لذا شناخت اولین جلسه دادرسی از جهت شناخت حقوق و تکالیف در این جلسه حائز اهمیت می باشد. در موارد متعددی از قانون جدید آیین دادرسی مدنی؛ عبارت «اولین جلسه»، «اولین جلسه دادرسی» یا جلسه اول دادرسی به کار رفته است که هر سه عبارت به یک مفهوم هستند و این مواد به ترتیب عبارتند از مواد ۱۶، ۶۲، ۷۸، ۹۰، ۹۷، ۹۸، ۱۰۷، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۴۴ و ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی که در هریک حسب مورد آثار و احکام اولین جلسه دادرسی تدوین گردیده است. در قانون قدیم و قانون جدید آیین دادرسی مدنی و سایر مقررات تعریفی از جلسه اول دادرسی، به عمل نیامده است جلسه دادرسی به منظور استماع اظهارات طرفین دعوا و رسیدگی دادگاه به دعوای مطروحه تشکیل می گردد و ممکن است به دفعات و به علل متعدد تجدید شود. علل و جهات تجدید وقت ممکن است مربوط به اصحاب دعوا باشد مثل اینکه طرفین در جریان مذاکرات اصلاحی باشند و متفقا از دادگاه تقاضا نمایند جلسه ی دادرسی به وقت دیگری موکول گردد. ممکن است دادگاه به لحاظ مرخصی و معذوریت متصدی آن آماده تشکیل جلسه نباشد. در این صورت، جلسه تجدید می شود و بالاخره ممکن است خواهان یا خوانده یا هر دو در دادگاه حاضر نباشند و اوراق موضوع ابلاغ طرفین یا یک طرف اعاده نشده و یا اوراق اعاده شده ولی ابلاغ واقعی نشده و ابلاغ قانونی هم در وضعی است که اطلاع اصحاب دعوا را احراز نمیکند در این صورت جلسه دادگاه تجدید میشود. بسیاری از موارد تجدید جلسه به همین علت است مخصوصا اگر خواهان و خوانده متعدد باشند احتمال عدم ابلاغ واقعی و عدم احراز اطلاع از جانب دادگاه تجدید جلسه را باعث میگردند بنابراین باید معیار دقیقی از جلسه اول ارائه شود تا تفاوت سایر جلسات با اولین جلسه دادرسی مشخص گردد. نظر به این که تعریف قانونی از اولین جلسه دادرسی به عمل نیامده و نویسندگان حقوقی با توجه به آراء و احکام صادره از دیوان عالی کشور و دادگاه انتظامی قضات و ... به بیان تعریف پرداخته اند لذا ذیلا به بیان برخی از این تعاریف پرداخته آنگاه نتیجه گیری میکنیم منظور از اولین جلسه دادرسی، آنچنان جلسه ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوا طرفین فراهم باشد. بدیهی است در صورتی که به جهتی از جهات جلسه مزبور تجدید شود جلسه یا جلسات بعدی جلسه اول محسوب نمی گردد. در این حکم صادره ملاک جلسه اول آماده بودن موجبات قانونی

رسیدگی می باشد. بنابراین از رای دیوان می توان نتیجه گرفت که اگر در جلسه بعد از تقدیم دادخواست موجبات رسیدگی از لحاظ رسیدن اخطاریه ها به دست طرفین، فراهم باشد آن جلسه، جلسه اول خواهد بود و در صورت تجدید جلسه به جهتی غیر از نقایص ابلاغ جلسه بعدی جلسه اول محسوب نخواهد گردید اما اگر اولین وقت دادرسی به علت نقص ابلاغ یا عدم اطلاع خواننده یا عدم ابلاغ وقت به خواهان تجدید شود جلسه بعدی در صورت وجود شرایط رسیدگی جلسه اول خواهد بود. در مواردی خواننده حق دارد در جلسه اول تقاضایی از محکمه بنماید و آن جلسه به واسطه کسالت حاکم محکمه تشکیل نشود، جلسه بعدی، جلسه اول محسوب می شود (حکم شماره ۳۸۳. ۱۳ تیر ۱۳۰۸-دادگاه عالی انتظامی قضاوت).

در این حکم، ضابطه فرصت و امکان استفاده خواننده از حقوق خویش بیان شده است؛ یعنی از آنجا که در جلسه اول برای خواننده حقوقی متصور است در این صورت اگر به علتی فرصت دفاع به خواننده داده نشود جلسه بعدی، جلسه اول محسوب می شود و لو به علت کسالت قاضی.^۵ جلسه اول دادرسی اولین جلسه ای است که برای رسیدگی به دعوا تشکیل می شود؛ مشروط به اینکه در آن جلسه موجبات قانونی طرح و استماع دعوا فراهم باشد (مردانی و بهشتی، پیشین، ص ۸۶). اداره ی حقوقی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۱۰۵۰۱۵۷/۱۰ شهریور ۱۳۸۱ بیان داشته است اولین جلسه دادرسی زمانی است که وقت رسیدگی به خواهان و خواننده ابلاغ و رسیدگی شروع شده باشد و اگر جلسه برای ابلاغ وقت رسیدگی به طرفین یا یکی از آنها تجدید شود، اولین جلسه رسیدگی محسوب نمی شود مقصود از جلسه ای که قانونگذار آنرا مبنای حق تقاضای تجدید (جلسه) قرار داده، جلسه محاکمه است بنابراین هر گاه در موقعی که از محاکمه تقاضای مجددی شود که چندین جلسه تعیین شده و در هیچ کدام محاکمه به عمل نیامده مانعی از قبول و رسیدگی به آن وجود نخواهد داشت.^۶ در این تعریف معیار جلسه اول رسیدگی و دادرسی می باشد؛ یعنی اگر در جلسه مدافعات و توضیحات استماع گردد و تحقیقات و رسیدگی به دلایل صورت پذیرد اطلاق جلسه اول بر آن صادق می باشد و الا در صورت عدم انجام رسیدگی و لو اینکه جلسه تشکیل شده باشد جلسه بعدی جلسه اول است.

جلسه اول دادرسی اولین جلسه ای است که موجبات رسیدگی فراهم بوده و خواننده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست خواهان با لحاظ تغییرات احتمالی آن که به تجویز ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی انجام می گیرد، داشته باشد (شمس، پیشین، ص ۱۶۱).

تعریف فوق الذکر جلسه اول دادرسی را منوط به داشتن دو شرط دانسته است:

۱- مهیا بودن موجبات دادرسی

۲- امکان دفاع برای خواننده

۱- تا به معنای قبل از پیش از با توجه به این معنا آنچه بدوا متبادر به ذهن است اینکه اصحاب دعوی باید تا قبل از حلول جلسه اول مبادرت به اعمال حقوق و تکلیف نمایند. مثلا قبل از جلسه اول اقدام به استرداد دادخواست نمایند. اگر این معنا را بپذیریم در عبارت تا اولین جلسه دادرسی زمان دادرسی مدت دادرسی را خارج ساخته ایم. در این فرض «تا مترادف با قبل از " پیش از " می باشد.

۲- تا به معنای تا پایان ما می خواهیم با بیان یک استدلال مخالف تبادر را ثابت کنیم. یکی از مفاهیم مورد بحث در علم اصول غایت است. غایت به معنای انتها و معادل فارسی آن تا میباشد مثل اینکه گفته می شود، خواننده باید تا اولین جلسه ی دادرسی اقدام به ایراد نماید (۸۷ ق.آ.د.م. در این مثال مدت اعمال ایراد تا پایان اولین جلسه دادرسی است. در مورد اجرای این حق و ظرف زمانی آن سه فرض متصور است که آن را تحت عنوان اوصاف زمانی اولین جلسه ی دادرسی مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

اوصاف زمانی اولین جلسه دادرسی

۱- ایرادات و اعتراضات در روزهای قبل از اولین جلسه؛ چون تصریح صورت گرفته لازم به توضیح نمی باشد. پس خواننده قطعاً می تواند در صورت امکان قبل از اولین جلسه اقدام به ایراد نماید.

۲- ایرادات و اعتراضات در روزهای بعد از اولین جلسه؛ اینکه آیا خواننده میتواند بعد از اولین جلسه دادرسی اقدام به ایراد نماید؟ علمای اصول در این مورد متفق القول نیستند مشهور می گویند حکم به ماوراء غایت سرایت نمی کند و برای این کار نیاز به قرینه می باشد (محقق داماد، مباحثی از اصول فقه دفتر اول مبحث الفاظ، ص ۷۵).
یعنی ایراد و اعتراض کردن یا نکردن خواننده بعد از اولین جلسه مسکوت است و با توجه به قرینه وارده می توان گفت که می توانند.

۳- ذکر ایرادات و اعتراضات در خود اولین جلسه دادرسی آنچه فوقاً بیان شد مربوط به قبل و بعد از اولین جلسه بود اما اینکه آیا غایت اولین جلسه خود دارای حکم مذکور در قضیه است یا خیر؟ موضوع فرض سوم می باشد این بحث در اصول با عنوان اینکه آیا غایت داخل در مغیا است یا نه؟ مطرح شده است معیا چیزی است که قانون برای آن غایت قرار داده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، ترمینولوژی حقوقی، ص ۶۷۳).

به عبارت دیگر مغیا حق یا حکمی را گویند که دارای غایت باشد حال آیا اولین جلسه (غایت) مشمول حکم (منیا) می باشد یا خیر؟ چنانچه در اینجا غایت را از مغیا خارج بدانیم باید قائل شویم که استفاده از حقوق مزبور فقط تا زمان تشکیل جلسه اول دادرسی امکان پذیر است و بعد از تشکیل آن نمیتوان از این حقوق استفاده کرد. در اصول در این مسأله اختلاف است و راه حل جامع و عامی پیدا نشده است. اکثر اصولیون قائل هستند که بنا بر اصل تبادل تعیین غایت، به ویژه در جایی که غایت قید حکم باشد موجب انتفاء حکم نسبت به ما بعد از غایت می شود مگر اینکه قرینه ای وجود داشته باشد که دلالت بر دخول را بعد از غایت در مغیا کند اما در خصوص اینکه آیا نفس غایت (حرف «تا» در مثال ما) داخل مغیا است یا نه اختلاف نظر وجود دارد و به نظر می رسد که لفظ غایت هیچ دلالتی بر این امر ندارد و در نتیجه شمول مغیا بر نفس غایت یا عدم شمول آن تابع قرینه است (علی نقی، الحیدری، اصول الاستنباط، دارالسیرة، لبنان، الطبعة الاولى، ۱۴۸ ه ق، ص ۱۱۰-۱۱۱). واقعیت این است که در هیچ یک از موادی که در آنها تعبیر تا اولین جلسه دادرسی به کار رفته است قرینه لفظی وجود ندارد که با استنباط از آن بتوان جلسه دادرسی را نیز داخل در مغیا تلقی کرد پس از قواعد اصولی نمیتوان برای تعیین اینکه آیا اولین جلسه نیز داخل در مغیا یعنی شامل حکم حقوق و تکالیف می شود یا خیر؟ استفاده نمود و در هر مورد باید به کمک قرائن خاص یا با استفاده از قواعد عام حکم مسئله را استنباط کنیم پس مجبور هستیم برای اینکه حکم موضوع را بتوانیم در مورد اولین جلسه دادرسی نیز مجری بدانیم به دلایل دیگر رجوع کنیم برخی از این دلایل عبارتند از:

از آنجا که ما در مورد امری در گذشته یقین داشته ایم یعنی یقین داریم که تا قبل از اولین جلسه حقوق و تکالیف برای اصحاب دعوی مترتب است اما در بقای آن در زمان لاحق تردید داریم در اینجا حقوق و تکالیف را در زمان لاحق (اولین جلسه) استصحاب می کنیم. اصحاب دعوا با توجه به آنچه در فرض اول گفته شد قبل از اولین جلسه دارای حقوق و تکالیف بوده اند تا زمانی که دلیل بر انتفای حقوق و تکالیف در جلسه اول ارائه نشده است کماکان حقوق و تکالیف در اولین جلسه قابل اعمال خواهد بود.

وجود قرینه ای بر امکان اعمال حقوق و تکالیف در اولین جلسه دادرسی؛ اگر چه بدواً از حرف «نا» چنین متبادر به ذهن است که اصحاب دعوا قبل از ورود به اولین جلسه باید حقوق و تکالیف خود را اعمال کرده باشند، یعنی در این خصوص خود جلسه را در بر نمی گیرد و این امر در ماده ۲۸۸ قانون آ.د.م سابق مشتبه بود ولی در ماده بعد همین قانون (۲۸۹) تصریح کرده بود اگر خواننده دعوی متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید... و این قرینه ای بود بر اینکه اصحاب دعوا می توانسته اند در اولین جلسه دادرسی دعوی متقابل را که از حقوق خواننده است اقامه کنند. در تأیید این نظر، تنظیم مقررات مربوط به دعوی

متقابل در قانون جدید است که تصریح کرده که دعوای متقابل تا پایان اولین جلسه دادرسی قابل اعمال است (ماده ۴۳ ق.ج.آ.د.م). یعنی عبارت «تا اولین جلسه دادرسی» اصلاح شده است. علاوه بر دلایل مذکور که ذکر شد رویه قضایی نیز جلسه دادرسی را داخل در مغیا دانسته است و همواره اولین اقدام ذینفع در جلسه دادرسی مبنی بر استفاده از حقوق مزبور را داخل مغیا فرض کرده است بنابراین اگر خواهان در همان ابتدای جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند اعم از اینکه استرداد به صورت شفاهی باشد یا با تقدیم لایحه انجام پذیرد دادگاه همچون موردی که استرداد دادخواست قبل از شروع جلسه صورت گیرد مبادرت به صدور قرار ابطال دادخواست خواهد کرد و مثال دیگر خواننده وفق بند ۴ ماده ۶۴ ق.آ.د.م تا اولین جلسه دادرسی می تواند به بهای خواسته اعتراض کند اما روبه دادگاه چنین است که تا پایان جلسه اول دادرسی خواننده حق ایراد دارد.

چگونگی تشخیص اولین جلسه ی دادرسی در دعاوی مختلف:

دعاوی از نقطه نظر شکلی به دعوی اصلی و طاری تقسیم می شوند که به ترتیب به چگونگی تشخیص اولین جلسه ی دادرسی در آنها می پردازیم.

دعاوی اصلی

دعوی اصلی آن است که دعوی یعنی محاکمه را بدو تولید و ایجاد می کند و آن به وسیله دادخواست خواهان صورت می گیرد (متین دفتری، ۱۳۸۱، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، ص ۲۵۳).

با توجه به معیاری که برای جلسه اول دادرسی ارائه شد در دعوی اصلی جلسه اول دادرسی جلسه ای است که موجبات رسیدگی و امکان دفاع خواننده در برابر ادعای خواهان فراهم باشد. بنابراین در تمام مواردی که اصحاب دعوا پس از تقدیم دادخواست و تعیین وقت رسیدگی برای اولین بار جهت رسیدگی به دعوا دعوت میشوند ولی موجبات رسیدگی به علل مختلف از جمله نقص ابلاغ یا جهات دیگر چون بیماری دادرس فراهم نباشد و جلسه تجدید گردد در اینجا چون اصولاً جلسه ای تشکیل نشده لذا جلسه اول دادرسی منتفی است. همچنین چنانچه موجبات رسیدگی فراهم باشد اما امکان و فرصت دفاع برای خواننده در برابر ادعای خواهان فراهم نباشد اطلاق اولین جلسه دادرسی به چنین جلسه ای هم ممکن نخواهد بود و کافی است که خواننده فرصت و امکان دفاع در برابر ادعای خواهان را داشته باشد تا اولین جلسه دادرسی محقق گردد. با توجه به مراتب مذکور چنانچه جلسه دادگاه به علت فراهم نبودن موجبات رسیدگی یا عدم امکان و فرصت دفاع برای خواننده تجدید شود در اینجا جلسه بعدی جلسه اول محسوب خواهد شد و بر آن جلسه همان آثار جلسه تجدید شده مترتب است و اصحاب دعوی همان حقوق و تکالیف مختص جلسه اول را دارا هستند. بنابراین چنانچه خواننده در جلسه اول دادرسی امکان و فرصت دفاع نداشته و جلسه دادگاه به علت انقضای مدت جلسه و لزوم تشکیل جلسه دیگر به منظور استماع دفاعیات خواننده تجدید شود در اینجا آثار مترتب بر جلسه اول بر جلسه بعدی نیز حاکم خواهد بود. در مواردی که جلسه دادرسی با وجود فراهم بودن موجبات رسیدگی با توافق طرفین دعوا تجدید می شود که این امر در ماده ۱۲۷ ق.آ.د. سابق و ماده ۹۹ قانون جدید برای یک بار تجویز شده در اینکه آیا جلسه مزبور اولین جلسه دادرسی محسوب است یا خیر؟ نظرات مختلف ارائه شده است یک نظر مبتنی بر اینکه چون موجبات رسیدگی فراهم بوده، جلسه مزبور اولین جلسه است. نظر دیگر اینکه مطلقاً چنین جلسه ای را اولین جلسه نمی داند. نظر سوم که اولی است به این ترتیب است که چنانچه طرفین در جلسه مزبور مطالبشان را اظهار نمایند یعنی خواننده از دعوا دفاع کند خواهان هم پاسخ دفاع را بدهد و در آخرین لحظه به عنوان در بین بودن مذاکرات اصلاحی و یا هر علت دیگر طرفین توافق در تجدید جلسه نمایند چنین جلسه ای اولین جلسه دادرسی است، لیکن اگر بدون اظهار و دفاع و یا در جریان دفاع و قبل از ختم مطالب طرفین دعوا توافق در تجدید جلسه نمایند جلسه مزبور

اولین جلسه دادرسی نمی باشد و جلسه بعدی جلسه اول دادرسی تلقی خواهد شد (همتی، ۱۳۶۸، جزوه درسی قانون آئین دادرسی مدنی، ص ۵۶).

تجدید جلسه و اصطلاحات مشابه

تجدید جلسه

از نظر لغوی تجدید به معنی نو کردن از سر گرفتن می باشد (معین، پیشین، ص ۱۰۲۱). با توجه به مفهوم جلسه و جلسه دادرسی که قبلاً بررسی شده تجدید جلسه دادرسی به مفهوم اعم به معنی نو کردن و یا از سر گرفتن جلسه است و در عرف قضایی این اصطلاح از یک طرف در مواردی به کار می رود که جلسه دادرسی در وقت مقرر تشکیل شده و موجبات رسیدگی نیز فراهم بوده و به دستور جلسه نیز جزئا یا کلا عمل شده اما تشکیل جلسه دیگر به هر علت ضروری دانسته شده است و تجدید جلسه از طرف دیگر در مواردی به کار می رود که موجبات رسیدگی در جلسه فراهم نباشد و تشکیل جلسه به بعد موکول شود و همچنین در مواردی نیز که موجبات رسیدگی فراهم است اما به علتی دستور جلسه جزئا یا کلا قابلیت اجرا نداشته باشد و جلسه مورد نظر به تاخیر بیفتد اصطلاح تجدید جلسه به کار می رود.

تشخیص جلسه ی اول در موارد تجدید جلسه ی دادرسی

جلسه ی دادرسی مخصوصاً جلسه ی اول دادرسی که از اهمیت خاصی در رابطه با حقوق طرفین دعوا برخوردار است ممکن است به علل مختلف تجدید شود. به همین دلیل در این گفتار برخی از موارد تجدید جلسه ی دادرسی را مورد بررسی قرار می دهیم

انقضای مدت تعیین شده برای رسیدگی به دلائل و اظهارات طرفین دعوا

با توجه به اینکه مدت زمان معمول برای رسیدگی به پرونده بین نیم ساعت الی ۵۱ ساعت است ممکن است محدوده زمانی جلسه دادگاه برای بررسی ادله ارائه شده از طرف خواهان و خوانده و نیز استماع مدافعات آنها کافی نباشد و مستلزم زمانی بیش از مدت تعیین شده باشد و فرا رسیدن مدت رسیدگی به سایر دعاوی اجازه ادامه رسیدگی به پرونده طرفین دعوا را ندهد در این موارد دادگاه وفق ماده ۱۰۴ ق.آ.د.م باید در پایان جلسه دادرسی با ذکر علت، دستور تعیین جلسه دیگر یا تجدید جلسه و ابلاغ وقت آن به اصحاب دعوا را صادر نماید.

حقوق اصحاب دعوا بر اساس اولین جلسه ی دادرسی

حقوق اصحاب دعوی در اولین جلسه ی دادرسی را قانونگذار در مواد مختلف قانون آئین دادرسی مدنی و کیفری پیش بینی کرده است. لذا در این مبحث ابتدا به حقوق خواهان و خوانده «تا اولین جلسه ی دادرسی» و «تا پایان جلسه ی دادرسی» و سپس به حقوق مشترک بین آنها را در سه گفتار جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم.

حقوق خواهان

قانونگذار در قانون آیین دادرسی مدنی برای خواهان حقوقی را پیش بینی کرده است که اعمال آنها منوط به اقدام او تا اولین جلسه دادرسی یا تا پایان اولین جلسه ی دادرسی می باشد. لذا این گفتار را در دو موضوع جداگانه تحت عنوان حقوق خواهان تا اولین جلسه دادرسی و حقوق خواهان تا پایان اولین جلسه ی دادرسی مورد بررسی قرار می دهیم (اسماعیلی، ۱۳۹۲).

حقوق خواهان تا اولین جلسه ی دادرسی

به موجب بند الف ماده ۱۰۷ ق.ج. این اختیار به خواهان داده شده که تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را استرداد نماید که در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می نماید. بند الف ماده ۱۰۷ جانشین ماده ۱۲۳ قانون سابق آئین دادرسی مدنی میباشد که مقرر میداشت چنانچه در مبادله لوایح مدعی دادخواست خود را استرداد کند مدیر دفتر مکلف است فوراً پرونده را به دادگاه بفرستد و دادگاه پس از اطمینان به تقاضای مدعی دادخواست را ابطال می کند. در قانون سابق مقطعی که دادخواست دهنده می توانست دادخواست خود را مسترد کند صریحاً تعیین نشده بود ولی در قانون جدید مقطع استرداد دادخواست در بند الف «ماده ۱۰۷ تعیین شده و آن تا اولین جلسه دادرسی» است که به موجب آن خواهان اصلی تقابل، ورود ثالث جلب ثالث می تواند پس از تقدیم دادخواست تا اولین جلسه دادرسی (یا) اولین جلسه پس از تقدیم دادخواست ورود ثالث و جلب (ثالث آن را پس بگیرد. پذیرش استرداد دادخواست منوط به رضایت خوانده نمی باشد و چنانچه در مقطع قانونی انجام گیرد دادگاه اقدام به صدور قرار ابطال دادخواست مینماید البته در استرداد دادخواست خواهان میتواند قبل از صدور قرار ابطال دادخواست از استرداد دادخواست منصرف شود. در این خصوص میتوان به حکم شماره ۶۹۲ - ۳۰ خرداد ۱۳۳۳ شعبه ۳ دیوان عالی کشور اشاره کرد که طبق آن اگر خواهان در مقام استرداد دادخواست برآید و قبل از این که قراری بر رد دعوی صادر شود وکیل او از استرداد درخواست منصرف گردد رد دعوی موقعیت نخواهد داشت به نقل از حسینی، سید محمد رضا، سال ۱۳۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی در رویه قضایی ص ۹۹ در مرحله تجدید نظر استرداد دادخواست در ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م.ج پیش بینی شده است که مقرر می: دارد چنانچه هر یک از طرفین دعوی دادخواست تجدید نظر خود را مسترد نمایند مرجع تجدید نظر قرار ابطال دادخواست تجدید نظر را صادر می نماید قانون گذار مقطع زمانی برای استرداد دادخواست تجدید نظر تعیین نکرده و رضایت طرف مقابل را نیز شرط استرداد دادخواست ندانسته است که علت آن محدود بودن مهلت تجدید نظر می باشد چرا که با صدور قرار ابطال دادخواست دعوی تجدید نظر منتفی شده و در نتیجه رای مورد تجدید نظر خواهی قطعی میشود در خصوص استرداد دادخواست ورود ثالث و جلب ثالث در مرحله تجدید نظر میتوان گفت با توجه به مواد ۱۳۴ و ۱۳۷ ق.آ.د.م.ج همان احکام و آثاری که در مورد دادخواست تجدید نظر گفته شد بر آنها بار می شود همچنین در مورد استرداد دادخواست و خواهی نیز باید گفت که این امر در قانون پیش بینی نشده است ولی با توجه به اینکه خواهی یکی از طرق شکایت از آراء، است لذا در این خصوص باید ملاک ماده ۳۶۳ ق.ج. را مد نظر قرار داد و گفت که احکام و آثار استرداد دادخواست تجدید نظر بر استرداد دادخواست و خواهی نیز باید بار شود استرداد دادخواست اعتراض ثالث نیز با توجه به ماده ۴۲۰ ق.ج. مشمول مقررات مربوط به استرداد دادخواست نخستین است که در این صورت استرداد دادخواست تا اولین جلسه دادرسی ممکن خواهد بود که در این صورت قرار ابطال دادخواست صادر می شود. استرداد دادخواست باید در مقطع قانونی صورت بگیرد در غیر این صورت خواهان در صورت تمایل باید دعوی خود را استرداد نماید که در این صورت قرار رد دعوا صادر می شود (بندب ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م.ج). استرداد دادخواست مقید به زمان خاصی می باشد از زمان قدیم دادخواست تا اولین جلسه دادرسی قابل استرداد می باشد (اسماعیلی، ۱۳۹۲).

حقوق خواهان تا پایان اولین جلسه ی دادرسی

۱ - ایرادات

علی الاصول ایرادات از جمله حقوقی است که برای خوانده در نظر گرفته شده است. البته ایرادات مذکور در ماده ۸۴ ق.آ.د.م، منحصر به خوانده نیست بلکه هر یک از ایرادات که از قواعد آمره محسوب شوند نظر به اینکه جنبه تذکر دارد از سوی خواهان نیز قابل طرح بوده و باید مورد رسیدگی قرار گیرد. به موجب ماده ۸۵ ق.آ.د.م ایراد سمت و به موجب ماده ۹۱ ق.آ.د.م ایراد رد دادرسی از سوی خواهان قابل طرح می باشد خواهان در صورت تمایل به طرح ایراد، باید به موجب ماده ۸۷

همان قانون تا پایان اولین جلسه دادرسی اقدام به طرح آن کند والا دادگاه به موجب ماده ۹۰ ق.آ.د.م مکلف نیست جدا از ماهیت دعوا نسبت به آنها رسیدگی کند و رای دهد. ایرادات در گفتار دوم این فصل بطور مفصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت (اسماعیلی، ۱۳۹۲).

۲- تغییر خواسته و میزان آن تغییر نحوه دعوا و تغییر درخواست

همین طور که در بند اول گفتار در خصوص استرداد دادخواست گفته شد پس از تقدیم دادخواست توسط خواهان این امکان وجود دارد که خواهان با ارزیابی ادله و اظهارات به این نتیجه برسد که برای اطمینان از حاکم شدن در پرونده دادخواست خود را مسترد و دادخواست جدید تقدیم کند ولی پرداخت هزینه دادرسی مجدد و نیز اطاله دادرسی به دلیل تراکم پرونده ها در محاکم مانع از این اقدام خواهان می شود (اسماعیلی، ۱۳۹۴).

در چنین وضعیتی چه راهکارهایی برای خواهان قابل تصور است؟

به نظر می رسد حقوقی که قانونگذار برای خواهان در متن ماده ۹۸ ق.آ.د.م. در نظر گرفته برای رفع نقیصه فوق الذکر می باشد. ماده مذکور مقرر می دارد خواهان می خواهد خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه ی دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشاء واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد. (سمندری گیگلو، ۱۳۹۵).

آثار اولین جلسه دادرسی برای خواهان

مقنن در این ماده و در این راسته پنج حق برای خواهان قائل شده که به بررسی آنها می پردازیم: (کریمی، ۱۳۹۵)

۱- افزایش خواسته

وفق ماده ۶۱ ق.آ.د.م بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدید نظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد و بند ۴ ماده ۶۲ همان قانون مقرر می دارد: «در دعوی راجع به اموال بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده است و خواننده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد یا اعتراض نکرده مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.»

بنابراین بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست قید می کند و مقنن وفق ماده ۹۸ این حق را به خواهان می دهد که تا پایان اولین جلسه دادرسی آن را افزایش دهد. لازم به توضیح است که افزایش خواسته با افزایش بهای خواسته دو مطلب جداگانه است و لازم است که از خلط آنها خودداری گردد (کریمی، ۱۳۹۵).

افزایش خواسته به دو صورت قابل تصور است:

۱- خواسته دادخواست از همان جنس افزایش داده شود مثلا خواسته پنج میلیون ریالی به ده میلیون ریال افزایش یابد در اینجا پنج میلیون ریال افزایش یافته از همان جنس پنج میلیون ریال اولیه است.

۲- خواسته ای از جنس دیگر به خواسته تصریح شده در دادخواست افزوده شود. مثلا خواسته خواهان در دادخواست خلع ید است و خواهان در مقام افزایش خواسته اجرت المثل را نیز به آن اضافه می کند.

۲- تغییر درخواست

درخواست به معنای تقاضا و خواستن است و یک لفظ عام است

در اصطلاح «نوشته ای است که در آن چیزی از مراجع قضائی خواسته شود مانند درخواست های امور حسبی که به جای دادخواست در امور ترافعی قرار داد.» (جعفری لنگرودی، همان منبع، ص ۲۸۶).

در این تعریف از عبارت «نوشته ای» افاده عموم می شود و به هر نوشته ای با هر شکلی و فرمی اطلاق می شود در صورتی که حتی می تواند درخواست باشد ولی نوشته نباشد مانند تقاضاهایی که به صورت شفاهی از محاکم می شود. پس درخواست

یک مفهوم اعتباری است و به نفس نوشته اطلاق نمی شود بلکه به مضامین یک نوشته که دارای عنوان تقاضا باشد درخواست گویند ولو اینکه به صورت شفاهی بیان گردد از همین جا تفاوت تقاضا یا درخواست با دادخواست روشن می شود چرا که دادخواست اگرچه ماهیتاً یک نوع درخواست میباشد ولی در قالب اوراق مخصوصی که از طرف محاکم در اختیار افراد قرار داده می شود ارائه می گردد پس رابطه درخواست و دادخواست عموم و خصوص من وجه میباشد پس هر دادخواستی به یک معنا درخواست میباشد ولی هر درخواستی دادخواست نیست. تغییر دادخواست مقتضی آئین خاصی است که خواهان برای تغییر دادخواست آنرا مسترد می کند و متعاقب آن را ی مقتضی صادر می شود. حال آنکه برای تغییر درخواست، چنین تشریفاتی ضروری نیست. یعنی مقنن ماده ۹۸ ق.آ.د.م این اجازه را به خواهان داده که پس از تقدیم دادخواست تا پایان اولین جلسه دادرسی بدون اینکه تغییری در دادخواست داده شود درخواست خود را تغییر دهد مثل اینکه درخواست گواهی حصر وراثت به درخواست تنفیذ وصیت نامه همان متوفی تغییر یابد یا اینکه در دادخواستی برای اثبات ادعا از ارجاع امر به کارشناسی درخواست شده باشد و در اولین جلسه دادرسی به صورت کتبی یا شفاهی از دادگاه خواسته شود که این درخواست به انجام تحقیقات محلی تغییر یابد. چنانچه در ماده ۵۱ ق.آ.د.م ملاحظه می گردد که مقنن خواسته را در بند ۱۳ آن ماده بیان کرده است این امر دلالت دارد که درخواست امری غیر از خواسته است به عنوان مثال در دعوای مطالبه مهریه اگر خواهان درخواست تامین خواسته نماید، «مهریه» خواسته دعوی است و در تامین خواسته خواسته درخواست تامین خواسته می باشد(بهری، ۱۳۸۷).

آثار اولین جلسه دادرسی برای خواننده

طرح ایراد

ایراد به معنی رد کردن و اشکال وارد کردن به دعوای طرف مقابل است مقنن ایراد را تعریف نکرده و فقط در موادی از ق.آ.د.م. به بیان مصادیق آن پرداخته است. بعضی از نویسندگان ایراد را این گونه تعریف کرده اند: «ایراد عبارت است از وسیله ای که خواننده معمولاً در جهت ایجاد مانع موقتی یا دائمی در جریان رسیدگی به دعوای مطروحه، و یا شکل گیری مبارزه در اصل و ماهیت حق مورد ادعا به منظور بازداشتن موقت یا دائم خواهان از پیروزی به کار می گیرد(شمس، ۱۳۸۲، آئین دادرسی مدنی، ص ۴۴۵). می توان گفت ایراد وسیله ای است که خواننده بدون ورود در ماهیت ادعای طرف و قبول یا رد آن ادعا نسبت به نحوه طرح دعوا اشکال می، گیرد مثلاً می گوید این دعوا در این دادگاه که صلاحیت ندارد قابل طرح نیست.

اقسام ایرادات

- اکثریت قریب به اتفاق ایرادات در ماده ۸۴ ق.آ.د.م ج آمده است که مقرر می دارد:
- در موارد زیر خواننده می تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند(اسماعیلی، ۱۳۹۲).
- ۱- دادگاه صلاحیت نداشته باشد.
 - ۲- دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد.
 - ۳- خواهان به جهتی از جهات قانونی از قبیل، صغر عدم، رشد جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی، اهلیت قانونی برای اقامه دعوا نداشته باشد.
 - ۴- ادعا متوجه شخص خواننده نباشد.
 - ۵- کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیومیت سمت او محرز نباشد.

۶- دعوای طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنها هستند رسیدگی شده نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد.

۷- دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض.

۸- مورد دعوا مشروع نباشد.

۹- دعوا جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد.

۱۰ خواهان در دعوی مطروحه ذی نفع نباشد.

۱۱- دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد.

آثار اولین جلسه دادرسی نسبت به دادگاه

تشریفات و اوصاف جلسه ی دادرسی

در این مبحث به تشریفات و اوصاف جلسه دادرسی در دو گفتار جداگانه می پردازیم.

چگونگی تعیین جلسه

مدیر دفتر دادگاه وفق ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی مدنی جدید، مکلف است دادخواست را پس از تکمیل آن فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه چنانچه دادخواست را علی رغم گزارش مدیر دفتر ناقص تشخیص دهد و نتواند رسیدگی کند، جهات نقص را قید و پرونده را به دفتر اعاده می دهد تا مدیر دفتر مطابق ماده ۵۴ قانون مذکور نسبت به رفع نقص دادخواست اقدام نموده و بعد از تکمیل آن را در اختیار دادگاه قرار دهد اما در صورتی که دادگاه پرونده را کامل تشخیص بدهد با صدور دستور تعیین وقت دادرسی پرونده را به دفتر دادگاه اعاده می نماید تا وقت دادرسی را دفتر دادگاه تعیین نموده و دستور ابلاغ دادخواست و ضمائم را به خواننده، و وقت جلسه را به اصحاب دعوا صادر نماید(واحدی، ۱۳۸۳). با توجه به مواد ۶۴ و ۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی که صدور دستور تعیین وقت دادرسی را منوط به کامل بودن دادخواست نموده است باید گفت که بعد از صدور دستور تعیین وقت دادگاه علی الاصول نمی تواند در خلال دادرسی دادخواست را به علت ناقص بودن به دفتر دادگاه عودت دهد و باید رسیدگی را تا صدور رای نهایی ادامه دهد که ماده ۳۵۰ قانون جدید نیز مبین همین موضوع است و بنابراین اگر خواهان هزینه دادرسی را به میزان قانون تودیع نکرده باشد و دادگاه دستور تعیین وقت صادر نماید و در خلال دادرسی پس از دفاعیات خواننده متوجه موضوع و نقص دادخواست شود در اینجا نمی تواند دادخواست را جهت رفع نقص به دفتر دادگاه عودت دهد بلکه باید دادرسی را ادامه داده و مابه التفاوت هزینه دادرسی را به طریقی که در بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مقرر است وصول نماید عودت پرونده به دفتر در جهت صدور اخطار رفع نقص به خواهان این امکان را میبخشد که در صورتی که شکست خود را در دعوا با توجه به دفاعیات خواننده محتمل ببیند از رفع نقص دادخواست خودداری نماید تا پرونده با صدور قرار رد دادخواست مختومه شده و امکان تجدید دعوا فراهم شود(واحدی، ۱۳۸۳). در خصوص نحوه تعیین زمان جلسه دادرسی در ماده ۱۲۵ قانون قدیم آمده بود جلسه دادرسی باید برای اولین روزی که دادگاه مطابق دفتر اوقات و رسیدگی دارد تعیین می شد یعنی برای پرونده ها با رعایت نوبت و ترتیب وصول به دادگاه تعیین وقت شود در قانون جدید این ضابطه مهم حذف شده است ولی حذف آن به این معنی نیست که دادگاه در تعیین وقت دادرسی آزادی عمل داشته و می تواند بدون رعایت نوبت و قاعده الاقدم فالاقدم اوقات دادرسی را تعیین نماید به این معنا که حق تقدم اصحاب دعوا باید رعایت گردد، که اگر چنین رایى مورد نظر بود اموری که باید خارج از نوبت مورد رسیدگی واقع شود در قانون مورد تصریح قرار نمی گرفت(همتی، ۱۳۶۹). با توجه به ماده ۶۵ ق.ا.ت.ع. ملاک ماده ۳۹۰ ق جدید در اینکه در مواردی تعیین جلسه در خارج از نوبت منصوص گردیده است از جمله مواد ۹۶ و ۱۰۰ و ۱۷۷ تبصره، یک ماده ۳۰۶ و ماده ۳۱۴ ق.آ.د.م. بدیهی است که پرونده به نوبت مورد رسیدگی قرار می گیرد که این امر تعیین وقت طبق

دفتر اوقات را ایجاب می نماید و باید گفت که دادگاه ها در تعیین وقت دادرسی مکلف به رعایت نوبت می باشند جز در مواردی که قانون رسیدگی خارج از نوبت و فوری را تجویز کرده باشد اما تعیین جلسه خارج از نوبت به قرینه ماده ۱۰۰ ق.ج الزاماً به معنی نزدیک ترین وقت ممکن نخواهد بود به موجب ماده مزبور هر گاه در وقت تعیین شده دادگاه تشکیل نشود یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد به دستور دادگاه نزدیک ترین وقت رسیدگی ممکن معین خواهد شد و در مواردی که عدم تشکیل منتسب به طرفین نباشد، وقت رسیدگی حداکثر ظرف دو ماه خواهد بود. روز جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد و در مواردی که نشانی طرفین یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود (ماده ۶۶ ق.ج). کما اینکه اگر خواننده باید از طریق درج آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار دعوت شود تاریخ انتشار آگهی تا روز جلسه نباید کمتر از یک ماه باشد (ماده ۷۳ ق.ج). همچنین در صورتی که جلسه برای استماع اظهارات گواه باشد باید فاصله روز ابلاغ تا روز جلسه حداقل یک هفته باشد (ماده ۲۴۲ ق.ج) در رعایت فاصله های مزبور تفاوتی بین اوقات عادی و خارج از نوبت نمی باشد و دفتر دادگاه هر چند که نمی تواند روز ابلاغ وقت جلسه را از قبل پیش بینی کند اما وقت جلسه را باید طوری تعیین کند با لحاظ مدتی که معمولاً ابلاغ اوراق یا درج آگهی به طول می انجامد فاصله های قانونی رعایت شود در غیر اینصورت و در صورت عدم رعایت فاصله قانونی، دادگاه باید جلسه را تجدید نماید، مگر اینکه ذی نفع حاضر بوده و یا لایحه تقدیم نموده و به این امر اعتراض نکرده باشد، همچنین در مواقعی که هیات وزیران با کسب نظر موافق روسای قوه مقننه و قوه قضائیه به مناسبت بروز حوادث و وقایع بسیار مهم. بعضی نقاط یا سراسر کشور را تعطیل رسمی اعلام می کند. کلیه مراجع قضایی مکلفند برای حفظ حقوق مردم اقدام های قضایی مقرر در روزی که تعطیل اعلام شده است، در وقت مناسب دیگری که از یک ماه تجاوز نکند معمول دارند قانون اصلاح لایحه قانون تعطیلات رسمی کشور (مصوب ۲۵ مرداد ۱۳۷۸). نکته ای دیگر در خصوص تعیین جلسه دادرسی و رعایت اوقات اداری و تعیین مکان جلسه از سوی دفتر دادگاه می باشد، که وقت رسیدگی باید در روزهای غیر تعطیل و در ساعات اداری تعیین شود، مگر در مواردی که قانونگذار تشکیل جلسه رسیدگی در اوقات تعطیل را صریحاً تجویز کرده باشد که از آن جمله می توان به ماده ۳۱۲ ق.آ.د.م.ج در خصوص رسیدگی به دستور موقت اشاره کرد. البته ادامه جلسه ای که در وقت اداری شروع شده در بعد از وقت اداری چنانچه اعتراضی از سوی اصحاب دعوا نشود و نیز اجرای قرار معاینه و تحقیق محلی در روز مصادف با تعطیل بدون اشکال به نظر می رسد در خصوص مکان جلسه دادرسی نیز باید گفت که جلسه دادرسی علی الاصول در محل دادگاه تشکیل می شود مگر در موارد منصوص قانونی که تشکیل جلسه در غیر محل دادگاه پیش بینی شده است از جمله ماده ۳۱۴ ق.آ.د.م.ج و ماده ۱۴۷ ق.م. در هر حال دفتر دادگاه در تعیین جلسه دادرسی علاوه بر زمان مکان آن را نیز باید تعیین نماید تا به اصحاب دعوا ابلاغ شود و زمان و مکان جلسه دادرسی هر دو باید به طرفین ابلاغ شود و اگر دادگاه قبل از وقتی که برای رسیدگی تعیین نموده است مبادرت به صدور حکم نماید و یا بدون ابلاغ وقت دادرسی به اصحاب دعوا به دعوا رسیدگی نماید، حکم دادگاه نقض خواهد شد که احکام شماره ۲۸۱۹۴۶ و ۱۹۱۱ شعبه ششم و سوم دیوان عالی کشور مؤید همین مطلب است (واحدی، ۱۳۸۶).

«منظور از اولین جلسه دادرسی، آنچنان جلسه ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوا طرفین فراهم باشد. بدیهی است در صورتی که به جهتی از جهات جلسه مزبور تجدید شود جلسه یا جلسات بعدی جلسه اول محسوب نمی گردد» (رای اصراری شماره ۳۰۳۱ مورخ ۳۱/۱۰/۱۳۲۹، هیئت عمومی دیوان عالی کشور)

در این حکم صادره، مالک جلسه اول آماده بودن موجبات قانونی رسیدگی می باشد. بنابراین از رای دیوان می توان نتیجه گرفت که اگر در جلسه بعد از تقدیم دادخواست موجبات رسیدگی از لحاظ رسیدن اختطاریه ها به دست طرفین، فراهم باشد آن جلسه، جلسه اول خواهد بود و در صورت تجدید جلسه به جهتی غیر از نقایص ابلاغ جلسه بعدی، جلسه اول محسوب

نخواهد گردید اما اگر اولین وقت دادرسی به علت نقص ابلاغ یا عدم اطلاع خواننده یا عدم ابلاغ وقت به خواهان تجدید شود ، جلسه بعدی در صورت وجود شرایط رسیدگی ، جلسه اول خواهد بود.

-در مواردی خواننده حق دارد در جلسه اول تقاضایی از محکمه بنماید و آن جلسه به واسطه دلیلی که منتسب به دادگاه است، تشکیل نشود ، جلسه بعدی ، جلسه اول محسوب می شود. (حکم ۳۸۳-۱۳۰۸/۴/۱۳۰۸ دادگاه عالی انتظامی قضات)

در این حکم، فرصت و امکان استفاده خواننده از حقوق خویش به عنوان مالک بیان شده است ؛ یعنی از آنجا که در جلسه اول برای خواننده حقوقی وجود دارد در این صورت اگر به علتی فرصت دفاع به خواننده داده نشود جلسه بعدی، جلسه اول محسوب می شود -جلسه اول دادرسی اولین جلسه ای است که برای رسیدگی به دعوا تشکیل می شود ؛ مشروط به اینکه در آن جلسه موجبات قانونی طرح و استماع دعوا فراهم باشد(مردانی، نادر و بهشتی، محمد جواد، ۱۳۵۸).

-اداره ی حقوقی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۷/۵۰۱۵ - ۱۳۸۱/۶/۱۰ بیان داشته است: « اولین جلسه دادرسی زمانی است که وقت رسیدگی به خواهان و خواننده ابلاغ و رسیدگی شروع شده باشد و اگر جلسه برای ابلاغ وقت رسیدگی به طرفین یا یکی از آنها تجدید شود ، اولین جلسه رسیدگی محسوب نمی شود.»

-مقصود از جلسه ای که قانونگذار آن را مبنای حق تقاضای تجدید (جلسه) قرار داده، جلسه ی محاکمه است بنابراین هر گاه در موقعی که از محاکمه تقاضای مجددی شود که چندین جلسه تعیین شده و در هیچ کدام محاکمه به عمل نیامده مانعی از قبول و رسیدگی به آن وجود نخواهد داشت(رای شماره ۶۶۸۸/۳۷۹-۰۳/۰۳/۱۳۱۰ دیوان عالی کشور به نقل از حسینی، سید محمد رضا، ۱۳۸۳)

در این تعریف معیار جلسه اول ، رسیدگی و دادرسی می باشد ؛ یعنی اگر در جلسه دفاعیات و اظهارات و توضیحات استماع گردد و تحقیقات و رسیدگی به دلایل صورت پذیرد ، اطلاق جلسه اول بر آن صادق می باشد و الا در صورت عدم انجام رسیدگی و لو اینکه جلسه تشکیل شده باشد ، جلسه بعدی جلسه اول است- اولین جلسه دادگاه، جلسه ای که موجبات قانونی رسیدگی به دعوا در آن فراهم باشد جلسه مزبور تشکیل شود و مذاکرات طرفین طی آن پایان پذیرد(واحدی، جواد ۱۳۷۶،

مطابق با تعریف انجام شده، جلسه اول دادرسی ۳ شرط دارد: اول آنکه موجبات قانونی فراهم باشد یعنی اگر اخطاریه اصحاب دعوا صحیح انجام نشده باشد دادگاه حق تشکیل ندارد و اگر آن را تشکیل دهد جلسه مزبور قانونی خواهد بود دوم آنکه جلسه باید تشکیل شود اگر اصحاب دعوا با استناد به حقی که ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی به آنها داده جلسه را به تاخیر اندازند جلسه اول جلسه بعدی خواهد بود و تمام حقوق و تکالیف محفوظ خواهد بود.

و شرط سوم مذاکرات طرفین پایان پذیرند اگر قبل از پایان مذاکرات به هر علتی جلسه تجدید شود جلسه بعدی دنباله همین جلسه است مثلاً به علت تمام شدن وقت دادرسی یا وقت اداری یا ... ادامه جلسه را به جلسه دیگر موکول کنند ، جلسه اول پایان نیافته و تا پایان مذاکرات در جلسه و جلسات بعد ادامه خواهد یافت (واحدی، جواد، ۱۳۷۶).

-جلسه اول دادرسی اولین جلسه ای است که موجبات رسیدگی فراهم بوده و خواننده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست خواهان ، با لحاظ تغییرات احتمالی آن که به تجویز ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی انجام می گیرد ، داشته باشد.(شمس، عبدالله، ۱۳۸۷).

تعریف فوق الذکر جلسه ی اول دادرسی را منوط به داشتن دو شرط دانسته است:

۱- مهیا بودن موجبات دادرسی

۲- امکان دفاع برای خواننده

بنابراین اگر موجبات رسیدگی فراهم باشد لیکن فرصت دفاع برای خواننده وجود نداشته باشد در اینجا جلسه تشکیل شده ، جلسه اول تلقی نمی شود و در جلسه بعدی حقوق و تکالیف اصحاب دعوا قابل اعمال خواهد بود . تعریف اخیر به نظر

نگارنده نسبت به سایر تعاریف کاملتر است چون شرط اول یعنی مهیا بودن موجبات دادرسی در همه تعاریف مشترک است لیکن قید امکان دفاع خوانده که در صورت وجود، جلسه ی تشکیل شده را به جلسه اول تبدیل می کند و در صورت فقدان امکان دفاع، جلسه بعدی اولین جلسه به حساب می آید. تعریف را جامع و مانع نموده است. با توجه به معیاری که برای جلسه اول دادرسی ارائه شد یعنی مهیا بودن موجبات رسیدگی و امکان دفاع خوانده در برابر ادعای خواهان، می توان گفت جلساتی که به جهت نقص ابلاغ یا جهات دیگر چون بیماری دادرسی تجدید می شود جلسه اول محسوب نمی گردد چرا که موجبات رسیدگی فراهم نبوده و اساسا جلسه ای تشکیل نگردیده لذا اولین جلسه دادرسی منتفی است. همچنین چنانکه موجبات رسیدگی فراهم بوده اما امکان و فرصت دفاع برای خوانده در برابر ادعای خواهان فراهم نباشد اطلاق اولین جلسه به چنین جلسه ای هم ممکن نیست ولی چنانچه موجبات رسیدگی فراهم باشد و حسب مورد خوانده یا وکیل او حاضر نشده و یا در صورت حضور و داشتن فرصت و امکان دفاع، سکوت نمایند جلسه مزبور اولین جلسه دادرسی محسوب خواهد شد. همچنین چنانچه پاسخ خوانده به ادعای خواهان به طول انجامد بطوری که وقت جلسه اقتضای تکمیل آن را نکند و نا تمام بماند، جلسه بعدی دادگاه که جهت انجام ادامه اظهارات خوانده و رسیدگی تشکیل می شود، ادامه اولین جلسه دادرسی تلقی می شود.

نتیجه گیری

جلسه کلمه ای عربی و دادرسی کلمه ای فارسی است که ترکیب آن «جلسه دادرسی» شده و منظور از آن هر نشستی است که در دادگاه یا خارج از آن (مطابق قانون) تشکیل می گردد. جلسات بیرون دادگاه نظیر معاینه محل و ... می باشد. جلسه اول دادرسی در حکم پله اول نردبان است که اگر درست اجرا گردد دادرسی تا مراحل پایانی به راحتی و با موفقیت پیش می رود. و گرنه شاید بتوان گفت علت بسیاری از نواقص پرونده ها و ارجاع به دادگاه تجدیدنظر و اطاله دادرسی همین مسامحه کاری ها در مرحله جلسه اول دادرسی می باشد. برگزاری صحیح جلسه اول دادرسی در گروهی همکاری دقیق کادر قضایی و اداری است که نتیجه آن کارآمدی دادگاه و در نهایت نظام قضایی است.

منابع

- ابدالی، دکتر مهرزاد، ۱۳۸۵، رویه و آیین دادرسی مدنی، چ اول، تهران، انتشارات نیک اندیش.
- ابهری، حمید. ۱۳۸۷. حقوق و تکالیف خواهان دعوا در اولین جلسه دادرسی. مطالعات حقوق خصوصی ش ۱
- احمدی، دکتر نعمت، ۱۳۵۷، آیین مدنی، چ اول، تهران، انتشارات اطلس.
- اسماعیلی، حمید رضا. ۱۳۹۲. حقوق و تکالیف اصحاب دعوا در اولین جلسه دادرسی در دعاوی مدنی. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود - دانشکده علوم انسانی.
- اسماعیلی، حمیدرضا. ۱۳۹۴. حقوق و تکالیف اصحاب دعوی در اولین جلسه دادرسی. دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- امامی، دکتر سیدحسن، ۱۳۷۰ حقوق مدنی، ج. چهارم، چ. پنجم، تهران انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- باختر، سیداحمد. ۱۳۹۰. آیین دادرسی مدنی: جلسه اول دادرسی. جنگل، جاودانه.
- بندرریگی، محمد، ترجمه منجد الطلاب، انتشارات اسلامی.
- بهرامی، دکتر بهرام، ۱۳۷۶، آیین دادرسی حقوقی، تهران، انتشارات روزنامه رسمی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۳، مبسوط ترمینولوژی حقوقی، ج ۳
- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ۱۳۷۲، دانشنامه حقوقی، ج. سوم و چهارم، چ. سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ۱۳۸۳، ترمینولوژی حقوق، چ. چهاردهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۷۱، مجموعه کامل قوانینی و مقررات حقوقی. چ. دهم، تهران.
حسین، سید محمدرضا، ۱۳۸۳، قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی، چ. دوم، تهران، انتشارات مجد.
حسینی، سید محمدرضا، ۱۳۸۳، آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی
حیاتی، دکتر علی عباس، ۱۳۸۴، شرح قانون آیین دادرسی مدنی. چ. نخست تهران، انتشارات سلسبیل.
دفتری، متین، مجموعه رویه های قضایی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵،
زراعت، دکتر عباس، ۱۳۷۹، آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، چ. اول، تهران، انتشارات سوم.
سرجامه شورانی، سمیرا. ۱۳۹۹. اولین جلسه دادرسی و تشخیص آن با نگاهی به رویه قضایی. دومین کنفرانس بین المللی
فقه، حقوق و پژوهش های دینی
سمندری گیگلو، نادر. ۱۳۹۵. توصیف حقوقی اولین جلسه دادرسی و چگونگی تشخیص آن. دومین کنفرانس بین المللی علوم
انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تاکید بر پژوهش های نوین
شمس، عبدالله، ۱۳۸۷، آیین دادرسی مدنی، انتشارات دراک، ج ۲ و ۳